

بعد از تصویب هدمندی یارانه‌ها، بسیاری از کارشناسان معتقد بودند که نباید درآمدهای نفتی را بین مردم توزیع کرد، بلکه باید آنها را سرمایه‌گذاری کرد. آیا طرح UBI با مخالفت کارشناسان مواجه خواهد شد؟

یک استدلال عمده مخالفان تزریق درآمدهای نفتی به اقتصاد، بروز بیماری هلندی است. برخی از کارشناسان مخالف تزریق دلارهای نفتی، الگوی صندوق نفتی نروژ را پیشنهاد می‌کنند که طبق آن بهترین سرمایه‌گذاری‌های نفتی را با استفاده از چنین صندوقی در خارج از کشور سرمایه‌گذاری کنیم. دولت نروژ با استفاده از چنین صندوقی بیش از یک و نیم درصد تأمین مالی شرکت‌ها را در جهان بر عهده دارد، این در حالی است که این کشور فقط ۵ میلیون نفر جمعیت دارد. اما نکته مهم این است که وضعیتی ما با وضعیت نروژ خیلی فرق دارد. یک تفاوت مهم این است که نروژ ابتدا یک کشور دموکراتیک و در مقابل شهروندان پاس‌خو شد و بعد منابع نفت را کشف کرد. این پاس‌خوایی باعث شد که دولت‌ها در نروژ پول را در جای درستی سرمایه‌گذاری کنند.

یک تفاوت مهم دیگر ما با نروژ در این است که در حال حاضر، به اذعان خود مسئولین، ۹ دهک مستحق دریافت «یارانه» هستند. در حال حاضر ما بیش از آن که نیازمند سرمایه‌گذاری در شرکت‌های خارجی باشیم، نیازمند سرمایه‌گذاری‌های عظیم در سرمایه‌انسانی نسل فعلی و فرزندانمان که نسل بعدی را تشکیل می‌دهند، هستیم. سرمایه‌گذاری فقط منحصر به سرمایه‌گذاری فیزیکی یا مالی نیست. نیاز فعلی ما، سرمایه‌گذاری در خوراک، سرپناه، آموزش و سلامت نسل فعلی و فرزندانمان که نسل بعدی را تشکیل می‌دهند، است. همان طور که عرض کردم، وقتی با UBI در سرمایه‌انسانی سرمایه‌گذاری شود، بنگاه‌ها با درآمد حاصل می‌توانند سرمایه‌گذاری‌های فیزیکی و مالی مورد نظر خود را انجام دهند. پس مسأله نه سرمایه‌گذاری یا عدم سرمایه‌گذاری، بلکه نوع سرمایه‌گذاری لازم برای کشور است.

طرح UBI از چه زمانی در کشور مطرح شد؟ تعویق این اصلاحات چه اثراتی خواهد داشت؟

تا آنجا که اطلاع دارم، اولین بار در بهمن سال ۹۷، ۴۰ محقق جوان کشور با انتشار بیانیه‌ای خواستار این شدند که نظام حمایتی فعلی بخصوص در مورد قیمت حامل‌های انرژی، به نظام حمایتی مبتنی بر درآمد پایه همگانی تغییر کند. البته چند هفته پیش که بنده با یکی از امضاکنندگان این بیانیه صحبت می‌کردم، ایشان دلیل عدم پیگیری طرح UBI را حوادث آبان ۹۸ ذکر کرد.

مسأله این است که با به تعویق انداختن مواجهه با بحران‌ها، بحران‌ها نه تنها کاهش نخواهند یافت، بلکه وخیم‌تر خواهند شد. طرح UBI پیشنهادی است برای مواجهه با بخشی از این بحران‌ها. یکی از این بحران‌ها، فقر گسترده و نابرابری‌های ناعادلانه ناشی از درآمد سرانه پایین و توزیع رانت‌های ناعادلانه توسط بخش دولتی است. دیگری تورم‌های بالا و مزمن است. همان طور که بیان شد، UBI می‌تواند راه‌حلی برای بخشی و البته نه همه بحران‌ها باشد.

اینکه پرداختی‌ها به صورت دلاری باشد، مشکل‌زانیست؟

منظور من از اینکه پرداخت‌ها دلاری باشد، این نیست که به مردم دلار پرداخت کنیم. در آذر ۸۹ که پرداخت «یارانه» ماهیانه ۴۹ هزار و ۵۰۰ تومانی شروع شد، این مبلغ بیش از ۴۰ دلار بود؛ اما در حال حاضر، این مبلغ کمتر از یک دلار است. منظور از پرداخت دلاری، این است که مبلغ پرداختی در شرایط تورمی، مبلغ ثابتی نباشد و متناسب با تورم افزایش یابد و چون در کشور ما، برای همه، قیمت دلار به نوعی بیابانگر تورم است، این مبلغ به این صورت متناسب با تورم خواهد شد که مثلاً متوسط قیمت دلار بازار آزاد طی یک ماه، مبنای پرداخت برای ماه بعد باشد. یکی از آثار مفید چنین سیاستی این خواهد بود که انگیزه دولت‌ها برای افزایش قیمت دلار برای تأمین بخشی از کسره‌های بودجه تضعیف خواهد شد. طبق برآوردهایی که داشته‌ام، طی یک بازه زمانی ۵ تا ۱۰ ساله، می‌توان روزانه معادل ریالی قیمت دلار، یعنی ۵ دلار به هرنفر، بسته به سرعت اجرا و منابع مالی تخصیص یافته به آن پرداخت کرد.

ممکن است فروش نفت کاهش یابد. اگر دولت بخواهد در این طرح منابع خود را هزینه کند، سایر هزینه‌های چه می‌شود؟

بله. قیمت نفت در بازارهای جهانی نوسانات زیادی دارد؛ اما همان طور که عرض کردم، درآمدهای حاصل از صادرات نفت خام، تنها یکی از منابع تأمین مالی این طرح هستند. منابع صندوق توسعه ملی، درآمد حاصل از افزایش تدریجی قیمت حامل‌های انرژی، فروش سهام دولت در شرکت‌های بورسی، درآمد حاصل از فروش هزاران طرح نیمه‌تمام دولتی، بخش دیگری از منابع مالی در اختیار برای اجرای این طرح هستند. بدیهی است که ثروت زیادی در کشور وجود دارد که عمدتاً در اختیار بخش عمومی است. در صورت تنش‌زدایی در سیاست خارجی، ارزهای مسدود شده در خارج و درآمد حاصل از افزایش صادرات نفت، بخش دیگری از این منابع در اختیار دولت برای اجرای این طرح خواهند بود. مجدداً عرض می‌کنم که مانع عمده در مسیر اجرای چنین طرحی، نه نبود منابع مالی کافی بلکه نبود عزم لازم برای اجرای چنین طرحی در بخش عمومی است زیرا به نوعی، ذی‌نفعان باید علیه منافع خود اقدام کنند!

از طرف دیگر، با اجرای این طرح دیگر نیازی به پرداخت بیمه بیکاری و حداقل دستمزد نیست؛ حتی می‌توان بیمه اجباری را که بار سنگینی روی دوش کارفرمایان است، بتدریج کنار گذاشت، زیرا UBI نوعی بیمه مادام‌العمر نیز محسوب می‌شود.

در پایان بر این واقعیت تأکید می‌کنم که در حال حاضر، طرح UBI یکی از مباحث مطرح در بسیاری از کشورهای بیشتر توسعه‌یافته و کمتر توسعه‌یافته است. دولت هند قرار است از سپتامبر امسال یک طرح آزمایشی UBI را در ایالت تامیل نادو هند با پرداخت به ۱۰ میلیون نفر از زنان کشور اجرا کند. در کشور ما بخش زیادی از زیرساخت‌های لازم برای اجرای طرح فراهم است. اگر روزی دولت‌مردان به این باور برسند که ادامه روند فعلی کشور را با مشکلات بیشتری مواجه خواهد کرد، احتمالاً به طور جدی‌تری به دنبال راه‌حل خواهند بود. در آن روز UBI می‌تواند در کنار سایر طرح‌ها مورد بررسی قرار بگیرد تا با آشکار شدن مزایا و معایب آن در مقایسه با سایر طرح‌های روی میز، بتوان راهی به سوی رهایی از بحران‌های متعددی که با آنها دست به‌گریبان هستیم، پیدا کرد؛ برای رفع مشکلات، گفت‌وگوهای لازم صورت بگیرد. به امید رسیدن هرچه سریع‌تر چنین روزی.

ما بیش از آن که نیازمند سرمایه‌گذاری در شرکت‌های خارجی باشیم، نیازمند سرمایه‌گذاری‌های عظیم در سرمایه‌انسانی نسل فعلی و فرزندانمان که نسل بعدی را تشکیل می‌دهند، هستیم. سرمایه‌گذاری فقط منحصر به سرمایه‌گذاری فیزیکی یا مالی نیست. نیاز فعلی ما، سرمایه‌گذاری در خوراک، سرپناه، آموزش و سلامت نسل فعلی و فرزندانمان که نسل بعدی را تشکیل می‌دهند، است